یک جرعه نور

برگی نمی‌افتد مگر به اذن او

علیرضا وکیلی| خداوند در سوره انعام، پرده‌ای از عظمت علم خویش را پیش چشم انسان، کنار می‌زند: «**وعنده مفاتح الغیب لایعلمها الاهو... وما تسقط من ورقه الایعلمها...**: کلیدهای غیب، تنها نزد اوست و هیچ برگی از درخت نمی‌افتد مگر آنکه او از آن آگاه است.» این آیه، انسان را وارد جهانی می‌کند که در آن هیچ چیز رها، بی‌معنا و خارج از علم و تدبیر خدانیست. حتی افتادن آرام یک برگ در گوشه‌ای از این عالم، از دایره آگاهی او بیرون نمی‌ماند.

انسان امروز، باهمه پیشرفت‌های علمی، هنوزازآینده خود، ازفردای زندگی، از اتفاقات پیش‌رو و حتی از حقیقت بسیاری از پدیده‌ها بی‌خبر است. بخش بزرگی از اضطراب‌های بشر نیز از همین ناآگاهی سرچشمه می‌گیرد. قرآن کریم در چنین فضایی، نگاه انسان را از محدودیت دانش بشری به‌سوی علم بی‌پایان خداوند می‌برد؛ علمی که نه‌فقط کلیات عالم، بلکه ریزترین ذرات هستی را نیز دربر گرفته است.

در تفاسیر آمده است که تعبیر «مفاتح‌الغیب»، به سرچشمه‌های علم پنهان عالم اشاره می‌کند؛ اموری که جز خدا کسی بر آن احاطه ندارد. علامه‌طباطبایی ذیل این آیه توضیح می‌دهد که ذکر افتادن برگ، دانه در تاریکی زمین و تر و خشک، برای نشان دادن گستره بی‌نهایت علم الهی است؛ یعنی جهان هستی، برپایه نظم، حساب و هدف شکل گرفته و هیچ حادثه‌ای در این عالم، گم و فراموش نمی‌شود.

گاهی انسان در سختی‌ها تصور می‌کند که دیده نمی‌شود؛ گمان می‌کند دردها، نگرانی‌ها و تنهایی‌هایش در این جهان پهناور گم شده است اما قرآنی که از افتادن یک برگ سخن می‌گوید، درحقیقت می‌خواهد به انسان بفهماند که تو نیز در این عالم فراموش نشده‌ای.

جهانی که خدا با چنین دقت و حکمتی اداره می‌کند، جهانی بی‌هدف و بی‌معنا نیست، حتی تأخیرها، آزمون‌ها و گره‌های زندگی نیز می‌توانند بخشی از حکمتی بزرگ‌تر باشند که انسان همه ابعاد آن را نمی‌بیند.

امام سجاد(ع) در دعاهای خود، بارها به علم فراگیر خداوند پناه می‌برند؛ چون انسانی که باور کند خدا همه‌چیز را می‌داند، کمتر دچار یأس و سرگردانی می‌شود. این باور توحیدی، فقط یک عقیده ذهنی نیست، بلکه نوعی آرامش عمیق در دل انسان ایجاد می‌کند.

مشاوره

مدیریت ارتباطات، نه قطع رحم

محمدجواد علیپورا خانواده در نگاه اسلام، بستر رشد ایمان و شخصیت انسان است. صله‌رحم نه‌تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه وظیفه‌ای الهی برای حفظ پیوندهای خویشاوندی است، با این حال در دنیای امروز و در مرحله بزرگ‌سالی، بسیاری از افراد با چالشی مهم روبه‌رو هستند: چگونه هم صله‌رحم را حفظ کنیم و هم از مرزهای شخصی و سلامت روان خود، پاسداری کنیم؟ آیا مرزبندی در روابط خانوادگی با روح صله‌رحم، منافات دارد؟ اگر برخی رفتارهای خویشاوندان موجب آسیب روحی، دخالت در زندگی مشترک یا تضییع حقوق فردی شود، تکلیف چیست؟

قرآن کریم می‌فرماید: «**وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ**: تقوا پیشه کنید و پیوندهای خویشاوندی را پاس بدارید.» (**نساء:۱**) درعین حال، اسلام اصل کرامت و نفی ضرر را نیز تأیید می‌کند. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «**لاضرر ولاضرار فی‌الاسلام**: در اسلام، زیان‌رسانی پذیرفته نیست.» بنابراین صله‌رحم هرگز به معنای تحمل آزار یا پذیرش دخالت‌های مخرب نیست.

قرآن کریم درباره والدین حتی در صورت اختلاف عقیده می‌فرماید: «**فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِی الدُّنْیَا مَعْرُوفًا**: در نافرمانی خدا از آنان اطاعت نکن، ولی با آن‌ها به‌نیکی معاشرت کن.» (**لقمان:۱۵**) این آیه، الگویی روشن برای «مرزبندی محترمانه» ارائه می‌دهد؛ عدم اطاعت در خطا، همراه با حفظ ادب و احسان.

از منظر روان‌شناسی، خویشاوندی بالغ یعنی فرد بتواند بدون احساس گناه یا خشم، حدود ارتباط، زمان دیدار و سطح دخالت‌ها را مشخص کند. پاسخ‌های قاطع اما مؤدبانه، کاهش تماس در روابط آسیب‌زا و اولویت دادن به آرامش خانواده هسته‌ای، مصداق عقلانیت و حکمت است نه قطع رحم.

میقات

آئینه شو، جمال پری طلعتان طلب!

علیپورا زیارت، هجرتی روحانی به‌سوی معبود و اولیای اوست. زائر، پیش از آنکه گام در جاده‌ها نهد، باید دل را از آلایش‌ها بزداید و توشه سفر را از حلال فراهم سازد. نخستین گام برای پذیرش عبادات، پاکی مال و روزی حلال است و زیارت به‌عنوان عملی عبادی، از این قاعده مستثنا نیست. خداوند متعال در قرآن کریم، بندگان خود را به تناول طیبات فرمان می‌دهد و از اسراف که نشانه ناسپاسی است، برحذر می‌دارد. این فرمان الهی، چراغ راه زائری است که می‌خواهد مسیر بندگی را با قدم‌های استوار طی کند.

توشه حلال؛ شرط استجابت دعا در حرم

پیامبر اکرم(ص) در حدیثی نورانی، رابطه مستقیم میان مال حلال و قبولی اعمال را چنین ترسیم می‌کنند: «**اَلْعِبادَهُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُها طَلَبُ الْحَلالِ**: عبادت ۷۰ جزء است و برترین جزء آن، طلب روزی حلال است.» این روایت به زائر می‌آموزد که پیش از حرکت به‌سوی حرم، باید در حلال بودن هزینه سفر، خوراک، پوشاک و حتی وسیله نقلیه‌ای که با آن سفر می‌کند، دقت کند. در حدیثی قدسی نیز آمده است که خداوند می‌فرماید: «من به نماز و روزه کسی که مال حرام می‌خورد، نظر رحمت نمی‌کنم.» اگر نماز و روزه که ستون دین‌اند، با لقمه حرام تباه می‌شوند، زیارت نیز که اوج اشتیاق به لقای اولیای خداست، جز با ره‌توشه حلال به سرمنزل مقصود نمی‌رسد. وقتی زائر در حرم دست به دعا برمی‌دارد، نخست باید مطمئن باشد لقمه‌ای که او را به این مکان مقدس رسانده، حلال بوده است؛ چراکه دعای برخاسته از مال حرام، حجابی میان عبد و معبود است.

میانه‌روی؛ زینت زائر در سفر زیارتی

خداوند در آیه ۳۱ سوره اعراف می‌فرماید: «**یَابَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَکُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ**». این آیه که در ظاهر به پرهیز از اسراف در خوردن و آشامیدن فرمان می‌دهد، در باطن، درس جامعی برای زائر است. زائر نباید به بهانه سفر زیارتی، دچار تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی در تهیه وسایل سفر شود. خرید سوغاتی‌های گران‌قیمت و غیرضروری، تهیه چمدان‌های پر از لباس که شاید در طول سفر حتی یک‌بار هم استفاده نشوند یا ولخرجی در خوردنی‌های سفر، همه از مصادیق اسراف است و خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. امام صادق(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «خداوند دیده است که گروهی با شکم‌های پر از حرام به مسجد می‌آیند، پس دستور داد دنیا را رها کنند تا دل‌هایشان برای آخرت، خالی شود.» این روایت به زائر هشدار می‌دهد که حتی اگر مال، حلال باشد، پرخوری و اسراف در آن، دل را سنگین و روح را از درک لطایف زیارت، محروم می‌کند.

چهارشنبه‌های امام رضایی

مروری بر فلسفه و آثار حج در نگاه عالم آل‌رسول(ص)

حج، موسم وحدت

گزارش

آمنه مستقیمی| از زیبایی‌های عبادت در اسلام، آن است که علاوه بر خلوت و سجاده، فرصت چشیدن طعم ارتباط با خدا را در دل جمع و همراه با دیگران نیز به انسان می‌دهد؛ فرصتی که جلوه‌های مختلفی دارد و یکی از زیباترین، اثرگذارترین و ماناترین آن‌ها حج است؛ فریضه‌ای که باوجود ظاهر عبادی‌اش، باطن سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بین‌المللی دارد و می‌تواند به بستر رقم خوردن سرنوشت سیاسی اجتماعی مسلمانان نیز تبدیل شود. امام رضا(ع) به‌طور کامل درباره فلسفه و آثار حج سخن گفته‌اند که در ادامه مرور می‌کنیم.

رفتن به‌سوی خدا

فلسفه حج از مهم‌ترین سؤالات در مواجهه نخستین با این فریضه و وجوب آن است. امام رضا(ع) در توضیح این فلسفه و چرایی آن، خطاب به فضل‌بن‌شاذان می‌فرمایند: «حج به‌سوی خدا رفتن و در پیشگاه باری تعالی، حاضر شدن است» (عیون اخبارالرضا(ع)، ج۲، ص۱۷۴) حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) نیز در خطبه قاصعه درباره فلسفه این عمل عبادی می‌فرمایند: «آیا نمی‌بینید خدای سبحان آزمود پیشینیان را، از زمان حضرت آدم تا آخرین در این عالم با سنگ‌هایی که نه ضرر می‌زنند و نه نفع می‌رسانند؛ سنگ‌هایی که نه می‌شنوند و نه می‌بینند؟ خداوند این سنگ‌ها را خانه حرام خویش گردانید؛ همان خدایی که کعبه را مرکز قیام و نهضت مردم کرد.» اگرچه مهم‌ترین و پرفایده‌ترین حکمت حج، اظهار عبودیت و بندگی به پیشگاه خدای متعال است، اما منافع روحی و روانی و اخلاقی نیز برای فرد و جامعه دارد.

بر مستطیع واجب است

نکته مهم در حج، داشتن استطاعت است. قرآن کریم در آیه ۹۷ سوره مبارک آل‌عمران در این باره می‌فرماید: «و بر مردم، حج و زیارت آن خانه واجب است؛ بر هر کسی که توانایی یافته است و بر آن راه یابد و هرکه کافر شود، تنها به خود زیان رسانده است.» امام رضا(ع) نیز به استطاعت برای انجام حج تأکید کرده، می‌فرمایند: «ای مکلف به تکلیف حج! خدایت مورد رحمت قرار دهد؛ به تو هشدار می‌دهم حج فریضه‌ای از فرایض خداوند جلیل و عزیز است و بر آن که دارای استطاعت می‌باشد، واجب است و این وجوب در تمام عمر انسان، یک بار است و خداوند به انجام‌دهنده آن، وعده بهشت و گذشت از گناهان داده است و در قرآن مجید که سند تمام حقایق است، روی‌گردان از این واجب عظیم و فریضه بزرگ را کافر نامیده و به تارک آن، وعده آتش قیامت داده است، پس ما از آن آتش به حق پناه می‌بریم.» (بحارالانوار/ ج۹۶/ ص۱۱)

از خدا زیاد بخواهید

حج درکنار پاسخ به عطش عبودیت در دل جمع و با مناسک و آداب خاص، با نیازهای فطری بشر نیز همراه و در تلاش برای رفع آن‌هاست؛ امام رضا(ع) در ادامه حدیث خود به فضل‌بن‌شاذان، به این مهم اشاره کرده، می‌فرمایند: «حج، زیادت‌طلبی و کمال‌خواهی است.» این یعنی حج به نیاز فطری انسان که حرکت در مسیر کمال و رسیدن به آن است، پاسخ می‌دهد. مهم آنکه در این کمال‌طلبی، انسان دعوت حق را لبیک می‌گوید و زائر خانه امن او می‌شود. حضرت ثامن‌الحجج(ع) همچنین تأکید می‌کنند که زائران خانه خدا باید از او طلب فزونی کنند: «وطلب الزیاد». این توصیه حضرت به مهم‌ترین فلسفه حج، یعنی دگرگونی اخلاقی، تأکید دارد. همان‌طور که «احرام»، انسان را از بهره‌های مادی و امتیازات ظاهری و لباس‌های رنگارنگ و زروزیور بیرون می‌برد، باید او را از خودخواهی‌ها، موهومات و رذایل، جدا و به فضیلت‌ها آراسته کند.

نمایش روح دیگرخواهی در اسلام

حضرت ثامن‌الحجج(ع) حج را وسیله رسیدگی به فقرا و تعیین حق آن‌ها از اموال اغنیا می‌دانند؛ ادای حقوق مستمندان از راه پرداخت خمس و زکات اموال و لزوم جداسازی اموال قبل از سفر حج، علاوه بر انجام واجب الهی، انسان را متوجه اطرافیان و ادای حق آن‌ها می‌کند؛ این فراز از حدیث رضوی بعد اجتماعی حج و رسیدگی به دیگران را یادآوری می‌کند و به‌نوعی دیگر روح جمع‌گرا و دیگرخواه حج را به نمایش می‌گذارد؛ واجبی که جمعی انجام می‌شود و دیگرخواهی را نیز در باطن خود دارد.

حج، تجلی وحدت و جایگاه فراگیری فقه است

شگفت‌انگیزترین حکمت نهفته در حج، ایجاد و تقویت احساس وحدت و هم‌بستگی است؛ زائران خانه خدا فارغ از قومیت، ملیت، نژاد، رنگ، زبان و دیگر تفاوت‌ها بر مدار یک خانه و در یک مسیر هماهنگ و در لبیک به دعوت خدا، آیین و مناسک را به‌جای می‌آورند و همین وحدت و همدلی، حج را به کنگره‌ای تبدیل کرده است تا معارف اسلام اصیل را به جهانیان معرفی کند. امام رضا(ع) نیز حج را جایگاه فراگیری فقه و احکام دین و انتقال اخبار پیشوایان(ع) به سراسر جهان معرفی می‌کنند.

حج، منافع عالم را تأمین می‌کند

امام رضا(ع) برای حج، آثار اقتصادی قائل هستند و می‌فرمایند: «حج برای تأمین مصالح و منافع تمام مسلمانان شرق و غرب، دریا و خشکی، حاضر و غایب است.» این نشان می‌دهد که اسلام در دل مناسک و آیین‌های عبادی به اقتصاد مسلمانان و ایجاد بسترهای استقلال آن‌ها در این باره توجه دارد و اقتصاد را از مؤلفه‌های قدرت مسلمین می‌داند، لذا در روایت آمده است در حج برای کل جهان اسلام برنامه‌ریزی اقتصادی می‌شود. این موضوع پرده از یک واقعیت برمی‌دارد که شخصی‌نگری در اقتصاد در حج، اشتغال به دنیاست اما توجه به اقتصاد مسلمانان این‌طور نیست و حتی بر آن تأکید هم می‌شود.

امام رضا(ع) بر حج و عمره مداومت داشتند

علاوه‌بر تبیین و توصیه به حج، سیره عملی حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) نشان می‌دهد که ایشان مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می‌رفتند. به زیارت قبر پیامبر(ص) علاقه فراوانی داشتند، خود را به رسول خدا(ص) می‌چسباندند. درکنار آن ۶ یا ۸ رکعت نماز می‌خواندند، در رکوع یا سجده سه‌بار یا بیشتر سبحان‌الله می‌گفتند، زمانی که نمازشان تمام می‌شد، به سجده می‌رفتند. آن‌قدر سجده را طولانی می‌کردند که عرق ایشان روی ریگ‌های مسجد می‌ریخت، صورت مبارکشان را روی زمین یا خاک مسجد می‌گذاشتند، دائم در حال عبادت بودند... (عیون اخبارالرضا، ج۲، ص۴۲۱)

درنگ

اهمیت فرزندآوری و جوانی جمعیت از منظر آیات و روایات

«**وَاللّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَزْوَاجِکُمْ بَنِینَ**: و خدا برای شما همسرانی از جنس خودتان قرار داد و از همسرانتان، فرزندان و نوادگانی پدیدآورد. در قرآن، از فرزند، با ویژگی‌ها و تعابیری همچون نعمت (**سوره نحل، آیه ۷۲**)، زینت زندگی (**سوره کهف، آیه ۴۶**)، نور چشم (**سوره فرقان، آیه ۷۴**) و سبب یاری الهی (**سوره اسرا، آیه ۶ و سوره شعرا، آیه ۱۳۳**) یاد شده است. این توصیفات در قرآن کریم و در آیات متعدد برای فرزند، بیانگر نگاهی پسندیده و جایگاه رفیع فرزندآوری است.

همچنین دعای حضرت ابراهیم(ع) (**سوره صافات، آیه ۱۰۰**) و زکریا(ع) (**سوره آل عمران، آیه ۳۸؛ سوره مریم، آیات ۵ و ۶**) برای فرزندآوری در سنین پیری و از آن‌طرف، بشارت الهی بر اجابت دعای آن‌ها (**سوره هود، آیات ۷۳-۷۱؛ سوره مریم، آیات ۷ و ۸**)، نشانه اهمیت موضوع فرزندآوری از نظر قرآن است.

در بین روایات نیز، احادیث متعددی از حضرات معصوم(ع) بیان‌کننده مطلوب بودن فرزندآوری و افزایش جمعیت خانواده است. در کتاب کافی، از منابع معتبر حدیثی، روایات مختلفی از پیامبر(ص) نقل شده است که بر ازدواج با زن فرزندآور، تأکید و بیان کرده‌اند من در قیامت به زیادی جمعیت امتم افتخار می‌کنم. در حدیثی دیگر، پیامبر(ص) به‌صراحت سفارش بر کثرت فرزندآوری کرده‌اند. (**کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۲، حدیث۳**)

پیامدهای کاهش فرزندآوری

«پیری جمعیت»، اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیامدهای منفی کاهش فرزندآوری است. این رخداد، پیامدهای جبران‌ناپذیری به‌دنبال خواهد داشت؛ ازجمله

الف: مشکلات اقتصادی:

کاهش تولید و رشد اقتصادی، هزینه‌های سنگین بیمه، اجرای طرح‌های حمایتی برای بازنشستگان که کشور را دچار بحران اقتصادی خواهد کرد.

ب: معضل نیروی کار:

با کاهش نیروی کار، برای جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها و حتی برای پست‌های مهم، باید از افراد خارجی استفاده کرد.

ج: خطرهای سیاسی و امنیتی:

تغییر در بافت جمعیتی جامعه و کاهش نیروی جوان برای دفاع از امنیت و اقتدار کشور.

مشکلات و دغدغه‌های فرزندآوری

در مسیر فرزندآوری، دغدغه‌هایی مطرح است که مانع از فرزندآوری می‌شود؛ برخی از این مشکلات عبارتند از:

۱. مشکل اقتصادی

ترس از عدم تأمین مالی فرزندان و مخارج آن‌ها، یکی از دغدغه‌های همیشگی والدین برای فرزندآوری بوده است، درحالی‌که در فرهنگ اسلامی، روزی فرزندان از جانب خداوند، تضمین شده است.

حامد میرزاخان
پژوهشگر مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

در قرآن خطاب به کسانی که در دوران جاهلیت، فرزندانشان را از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند، این کار، گناهی بزرگ شمرده و بیان شده است: «**نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِیَّاکُمْ**: ما، آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم.» «**وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَکُمْ خَشْیَه إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِیَّاکُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ کَانَ خِطْئًا کَبِیرًا**: فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می‌دهیم، یقینا کشتن آنان، گناهی بزرگ است.»

همچنین در کتاب کافی آمده است یکی از اصحاب امام کاظم(ع) طی نامه‌ای، نظر ایشان را درباره خودداری از فرزندآوری، به دلیل سختی تربیت و کمبود مالی، جویا شد. امام پاسخ دادند: «درپی فرزند باش؛ زیرا روزی آن‌ها را خداوند عزوجل می‌رساند.» (**کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص۳، حدیث ۷.**)

۲. دغدغه تربیت

برخی افراد تعدد فرزندان را مانع تربیت صحیح آن‌ها می‌دانند و به این دلیل، تمایلی به فرزندآوری بیشتر ندارند.

در پاسخ گفته شده است که اولا، با توجه به برخی آیات قرآن، امر تربیت و هدایت انسان‌ها به دست پروردگار است.

«**إِنَّکَ لَا تَهْدِی مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَکِنَّ اللَّهَ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ**: قطعا تو نمی‌توانی هرکه را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه خدا هرکه را بخواهد، هدایت می‌کند و او به هدایت‌پذیران، داناتر است.»

ثانیا، اگر مسئله تربیت واقعا یکی از مشکلات اصلی در این موضوع باشد، باید خانواده‌های تک‌فرزند، بهترین فرزندان را تربیت کرده باشند. سوم اینکه اگر محور تربیت فرزندان، محبت و ولایت اهل بیت(ع) باشد، بسیاری از نگرانی‌ها در مسئله تربیت از بین می‌رود.

تغییر سبک زندگی

ازجمله موانع در مسیر فرزندآوری، تغییر سبک زندگی با رفاه‌طلبی و خودخواهی برخی خانواده‌هاست؛

خودخواهی بعضی والدین و نبود روحیه ایثار در آن‌ها، باعث شده است که به تنها بودن فرزندشان توجهی نداشته باشند و به امور رفاهی خود بپردازند؛ زیرا آوردن فرزند را سبب اختلال در آسایش خود می‌دانند، درحالی‌که در سبک زندگی اسلامی، رفاه و آسایش به‌عنوان مقصد اصلی زندگی شناخته نمی‌شود و هرکدام از رفاه و مشقت، چنانچه در نتیجه بندگی خدا باشد، مطلوب شمرده می‌شود.